

کنکاشی بر "مقام هنر" در فلسفه ی "سکوت و نور" لویی کان

رویا رحیمی^{۱*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه یزد، (rahimi.roya69@gmail.com)

چکیده

ظهور لویی کان بی شک یکی از شگفت انگیز ترین پدیده های تاریخ معماری مدرن بود. کان حرکت کرد تا یک جدایی و تفاوت در طرز فکر رایج با جهتی نو ارائه کند. وی در حالی که برآمده از بطن شرایط زمان خود بود، همواره نسبت به موفق ترین دستاوردهای فکری عصرش سرآمد بود؛ لذا تشریح کامل افکار و فلسفه اش در قالب اصطلاحات رایج زمانش غیرممکن است. در واقع او، افکار و فلسفه اش را باید از میان واژگانش بیرون کشید. در این مقاله سعی بر شناخت جایگاهی است که کان برای هنر قایل می گردد. در ابتدا، بر اساس واژه ها و اصطلاحات بنیادینی که لویی کان به کار برده، به تبیین بنیان هنر می پردازیم. در بخش دوم به تشریح اندیشه ی وی در باب فلسفه سکوت و نور که زیربنای فلسفی تفکر وی در معماری است، پرداخته می شود و در بخش سوم به واکاوی مقام هنر در فلسفه سکوت و نور پرداخته می شود و در انتها، جایگاه معماری به عنوان یک هنر، تبیین شده و نمود فلسفه کان در آثارش، تفسیر می گردد. در نهایت امر از دیدگاه لویی کان به این نتیجه دست می یابیم که هنر بین آن چه وجود دارد و آن چه که هنوز به وجود نیامده است یک نوع اتحاد و یکپارچگی ایجاد می کند. در یک کلمه هنر واسطه است، واسطه ای برای تجلی و ابراز. پژوهش حاضر بر مبنای روش توصیفی تحلیلی است، که بر اساس مطالعات اسنادی کتابخانه ای شکل گرفته است.

واژه های کلیدی: لویی کان، نور، سکوت و نور، مقام هنر، معماری